

خدای زنده

جلد دوم

بخش صعود و نزول روح القدس

فصل نهم :

کلیسای محلی ، نوبریک تمدن

سطح عالی

بخش ششم

صعود مسیح و آمدن روح القدس

قسمت سوم : روح القدس از راه کلیسا به مسیح شهادت می دهد

فهرست

۵۹۵	فصل نهم: کلیسای محلی، نوبر يك تمدن
۵۹۵	۱- مقدمه
۵۹۵	معنی کلیسای نوبر چیست؟
۵۹۵	الف - اعلام مژده به همه ی امت ها
۵۹۷	ب - معنی نوبر در عهد قدیم
۵۹۸	ج - معنی نوبر و نخست زاده در عهد جدید
۵۹۹	۲-راز تن یافت پسر خدا و راز تن یافت کلیسا
۶۰۰	الف - راز تن یافت پسر خدا
۶۰۱	ب - راز تن یافت کلیسا
۶۰۳	۳- کلیساهای محلی و کلیسای جهانی
۶۰۳	الف - کلیسای محلی
۶۰۴	ب - کلیسای جهانی
۶۰۵	نتیجه
۶۱۰	۴-تنوع های ضروری برای آن رسالت جهانی که عیسا به رسولان سپرد
۶۱۰	پیوند دادن انجیل در تمدن های امت ها
۶۱۲	«خلاصه ی تعلیمات رسمی»
۶۱۳	۵- هر کلیسای محلی، مشارکت تنوع ها می باشد
۶۱۶	۶- کلیسای ملی یا محلی
۶۱۹	جامعه ی فرقه گرا و فرقه گرایی
۶۲۰	۷- نتیجه
۶۲۱	«خلاصه ی تعلیمات رسمی»

کلیسای محلی، نوبر يك تمدن

بعد از تعمق طولانی درباره ی مأموریت کلیسا در فصل پیشین، حال باید ببینیم، چگونه کلیسا می تواند این مأموریت را به عهده بگیرد و با فرهنگ های مختلف خود را مطابقت دهد، تنوع یابد، تا نوبر هر فرهنگ و کاهن آن شود. بنابراین، باید ارزش هایی که در هر دین و تمدن وجود دارد تشخیص دهد، آن را از نکات منفی پاک کرده و به عهده گیرد.

۱- مقدمه

معنی نوبر چیست؟

سؤال ما این است که آیا طبق کتاب مقدس، یک کلیسا را به عنوان یک نوبر می توان شناخت؟ قبلاً، مسئله ی نوبر را طبق کتاب مقدس در ارتباط با راز تعمید مورد بررسی قرار دادیم (ر. ک، جلد اول، فصل تعمید). و یادآوری کردیم که فرد مسیحی برای این که نوبر شود باید در صمیمیت کامل هم با پسر خدا و هم با قوم خود زندگی کند، البته آن زمان که این افراد، توسط راز تعمید، تقدیس یافته باشند.

اما اکنون موضوع متفاوت می باشد، زیرا موضوع ما درباره ی کلیساست: آیا چنین گروهی را می توان در مجموع نوبر یک قوم شناخت؟ برای تعمق بیشتر در این مورد، موضوع را مجدداً در ارتباط با کتاب مقدس بررسی می نماییم.

الف - اعلام مژده به همه امت ها

ابتدا باید با دقت به کلمه ای که مسیح جهت منتقل ساختن مأموریت خود به کلیسا به کار برد توجه نماییم، مثلاً در ارتباط با روز خداوند و زمان آخر، عیسی مسیح فرمود: «قبلاً باید انجیل به تمام ملت ها نوید داده شده باشد.» (مر ۱۰: ۱۳). در انجیل متا و لوقا نیز به جنبه ی جهانی این مأموریت برای همه ی امت ها تأکید گردیده: «بروید و در همه ی ملت ها به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید داده آنان را شاگرد گردانید.» (مت ۲۸: ۱۹؛ ر. ک لوقا ۲۴: ۴۷). علاوه بر این، عیسا فرمود: «هر کس که ایمان آورد، تعمید خواهد یافت و نجات خواهد یافت.» (مر ۱۶: ۱۶). حال چگونه این کلام مسیح را درک نماییم؟

آیا باید به هر انسانی در تمام دنیا، تعمید داده شود تا نجات یابد؟ اما غیر ممکن به نظر می آید، مخصوصاً برای میلیون ها نفر که قبل از مسیح زندگی کرده اند و حتی در زمان مسیح و بعد از آن تا به امروز امکان پذیر نمی باشد. برای این که اشتباه نکنیم تأکید کنیم که مسیح، یکتا نجات دهنده ی همه هست، بنابراین، راه عادی و معمولی به سوی نجات این است که هر شخص ایمان آورده و تعمید یافته، در کلیسا وارد شود، عیسا در جواب او گفت: «آمین به تو می گویم اگر کسی از سر نو مولود نشود ملکوت خدا را نمی تواند دید.» تیئودیموس به او گفت: «چگونه ممکن است که انسانی که پیر شده باشد، مولود گردد؟ آیا می شود بار دیگر داخل شکم مادر گشته، مولود گردد؟» (یو ۳: ۴-۵)، با اشاره به این سخن مسیح، شورای اسقفان واتیکان دو، بیان می کند:

«خود مسیح آشکارا نیاز به ایمان و تعمید را خاطر نشان ساخت (مر ۱۶: ۱۶؛ یو ۳: ۵) و بنابراین ضرورت وجود کلیسا را تأکید نمود که انسان ها از طریق تعمید به مانند دروازه از آن وارد می شوند. بنابراین، کسانی که می دانند کلیسای کاتولیک، توسط خدا به واسطه ی عیسا مسیح، به عنوان راه ضروری، بنیاد نهاده شد، اما از ورود به آن یا ماندن در آن اجتناب می ورزند، نمی توانند نجات یابند...» (به سوی ملل، شماره ۷). البته شورای اسقفان ادامه می دهد و اشاره می کند که برای آنانی که نتوانستند، مسیح و یا کلیسا را بشناسند، تعمید، تنها راهی نیست برای ورود در کلیسا، و همین طور که درباره ی نجات غیرمسیحیان اشاره کرده ایم (باب ۷)، راه هایی است که تنها خدا آن را می داند و چون عیسا به رسولان، مأموریت تعلیم و تعمید دادن نه به اشخاص، بلکه به امت ها را واگذار نمود، در این جاست که موضوع نوبر را به عنوان در برگیرنده ی تمام موضوعات باید در نظر گرفت و به آنانی که توسط راز تعمید در کلیسا وارد می شوند باید با دیده ی ایمان نگریست و نه به صورت شخصی واحد و منفرد، کلام عیسا را با شاگردانش در ارتباط با زن سامری بشنویم که گفت: «چشمان خود را برافراشته و مزرعه ها را ببینید زیرا که اکنون جهت درو سفید شده اند و دروگر اجرت خود را می گیرد...» (یو ۴: ۳۵). با دیدن افرادی از شهر شکیم که به سوی او می آمدند، عیسا تمام مأموریت کلیسا و میوه های آن را تماشا می کرد (اع باب ۸). پولس نیز این گونه بیان می کرد، وقتی می نوشت: «انجیل... به تمامی خلقت زیر آسمان بدان موعظه شده است» (کول ۱: ۲۳). آیا در این جا پولس مبالغه نموده و به کار خود اهمیت بسزایی می داد با علم به این که به گروه های خیلی کوچک شهادت داده بود؟ یا این گروه های کوچک را در ایمان تماشا می کرد به عنوان نماینده ی کل ملت ها، همان طور که در نامه های خود می نوشت: «انجیل به شما وارد شد چنان که در تمامی عالم نیز...» (کول ۱: ۵) و جای دیگر درباره ی استان اخائیه (قرن ۲: ۹) یا تمام استان مکادونیه (روم ۱۵: ۲۶) و هم چنین لوقا که شرح حال او را می نوشت چنین توضیح داد: «بدین طور دو سال گذشت، به طوری که تمامی اهل آسیا چه یهود و چه یونانی کلام خداوند عیسا را شنیدند.» (اع ۱۹: ۱۰).

با در نظر گرفتن این دیدگاه ایمان وقتی عیسا به رسولانش گفته «تمام ملت ها را تعلیم دهید» آیا

وظیفه داشتند که به تک تک افراد هر ملت تعلیم و تعمید دهند، که غیرممکن می باشد یا به یک گروه از هر ملت به عنوان نماینده همه؟ در این جا موضوع مهم در طول کتاب مقدس را می بینیم که همه ی افراد به عنوان قسمتی از آنان را که نمایندگی و عاقبت آنان را در بردارد، دیده می شود. بدین صورت بشریت، نماینده و کاهن تمام خلقت می باشد. قوم برگزیده کاهن تمام بشریت، باقی مانده کوچک و وفادار، نماینده ی تمام قوم برگزیده، مسیح نماینده ی این باقی مانده کوچک و کاهن تمام بشریت و بالاخره کلیسای جهانی، کاهن در خدمت تمام بشریت و کلیسای محلی نماینده ی ملتی که به آن واگذار شده است.

ب - معنی نوبر در عهد قدیم

نوبر «Bekkourim» به زبان عبری از ریشه ی کلمه ی «Bkr» به معنی اولین پسر می باشد: (هر نخست زاده ای را که رحم را بگشاید در میان بنی اسرائیل، خواه از انسان، خواه از بهایم، تقدیس نما، او از آن منست.) (خروج ۱۳:۲). چون خدا سرچشمه ی همه ی زندگان می باشد و نجات دهنده ی همه ی قوم برگزیده به عنوان نماینده ی تمام میوه های رحم، نخست زادگان به او تقدیم میشدند. در عهد قدیم این اصطلاح نه فقط برای یک شخص مثل اسحاق، بلکه در ارتباط با تمام قوم برگزیده مصطلح بود (خروج ۳۴:۲۶؛ تث ۲۶:۲؛ ۲۱:۱۷). بنی اسرائیل به عنوان نخست زاده ی امت ها و قوم انتخاب شده و کهناتی می باشد، در خدمت تمام ملل شهادت داده و خود را به نمایندگی از امت ها به یهوه تقدیم نماید: «اسرائیل برای خداوند، مقدس و نوبر محصول او بود...» (ار ۳:۲؛ ر. ک خروج ۱۹:۶). هم چنین در میان دوازده قبیله ی بنی اسرائیل به جای همه ی نخست زادگان قوم، خدا قبیله ی لاویان را انتخاب کرده و جدا ساخته تا تنها برای خود او تقدیس شوند. «یهوه به موسا خطاب کرده گفت: «لیک من لاویان را از میان بنی اسرائیل به عوض هر نخست زاده ای از بنی اسرائیل که رحم را بگشاید گرفته ام، پس لاویان از آن من می باشند. زیرا جمیع نخست زادگان از آن منند، و در روزی که همه ی نخست زادگان زمین مصر را کشتم، جمیع نخست زادگان اسرائیل را خواه از انسان و خواه از بهایم برای خود تقدیس نمودم پس از آن من می باشند، من یهوه هستم.» و «بعد از آن لاویان داخل شوند تا خدمت خیمه ی اجتماع را به جای آورند و تو ایشان را تطهیر کرده، ایشان را هدیه بگذران. زیرا ایشان از میان بنی اسرائیل، به من بالکل داده شده اند، و به عوض همه ی نخست زادگان بنی اسرائیل خواه از انسان و خواه از بهایم، از آن منند در روزی که جمیع نخست زادگان را در زمین مصر زدم ایشان را برای خود تقدیس نمودم پس لاویان را به عوض همه ی نخست زادگان بنی اسرائیل گرفتم. و لاویان را از میان بنی اسرائیل به هارون و پسرانش پیشکش دادم تا خدمت اسرائیل را در خیمه ی اجتماع به جا آورند و به جهت بنی اسرائیل کفار نمایند...» (اعداد ۳:۱۱ - ۱۳:۸؛ ۱۵:۱۹).

بنابراین، در عهد قدیم، نخست زاده نماینده ی برادران و خواهران می باشد. همان طور که بنی اسرائیل، نماینده ی همه ی ملل و قبیله ی لایوی نماینده دوازده قبیله ی قوم برگزیده می باشند.

ج - معنی نوبر و نخست زاده در عهد جدید

ابتدا عیسا را در راز تن یافت بنگریم که با عهده گرفتن بشریت ما، با تمام خلقت ارتباط پیدا می نماید، زیرا او نخست زاده مخلوقات (کول: ۱-۱۵-۱۶) و صورت کامل خدا می باشد (پید: ۱-۲۶-۲۷: عبر: ۱-۳). در واقع با تن شخص انسانی ارتباط با تمام نوع بشر، و صمیمیت با تمام خلقت دارا می باشد. در این صورت می توانیم معنی و گسترش راز تن یافت پسر خدا را عمیق تر درک کرد. علاوه بر این، توسط گذر او چون همه را در خود به عهده گرفته، نخست زاده ی مردگان نیز می باشد. او به عنوان آدم نوین، «نوبر همه ی خوابیدگان» شده است (قرن: ۱-۱۵-۲۰-۲۳). پس همان طور که اشاره کردیم، تعمید یافته در ارتباط با مرگ و رستاخیز او (روم: ۶-۳-۴) خود نوبر خانواده اش، محیط اش و قوم خود شده است. (روم: ۱۶: ۵؛ قرن: ۱۶: ۱۵) و همه ما نیز با راز ایمان و تعمید «نوبر مخلوقات او» شده ایم (یع: ۱: ۱۸؛ ر. ک مکا: ۱۴: ۴).

در نتیجه، کلیسا جهانی و مخصوصاً هر کلیسای محلی به عنوان «اجتماع نخست زادگان» (عبر: ۱۲: ۲۳)، «قوم کاهنان» (۱ پتر: ۲: ۹) می شود که خود را و همراه با خود تمام قومش را به مسیح تقدیم می کند، مسیحی که از این راه تمام ارزش های هر تمدن را در خود جمع آوری کرده، به پدر تقدیم می کند (افس: ۱: ۱۰؛ کول: ۱-۱۶-۱۹). علاوه بر این، هر کلیسای محلی که توسط حضور روح القدس و فیض رازهای هفت گانه مقدس شده به صورت مرموز قوم خود را تقدیس می نماید، «چون نوبر مقدس است، هم چنین خمیده، و هرگاه ریشه مقدس است هم چنان شاخه ها» (روم: ۱۱: ۱۶).

در نتیجه آیا کلیسای محلی، لایویان یا کاهنان امت خود شده اند (مکا: ۱: ۶)؟ و آیا توسط همه ی کلیساهای محلی زیر نفوذ روح القدس، مسیح امروز قول را به انجام می رساند که گفته بود: «هر وقت از زمین بلند کرده همه را به سوی خود خواهم کشید» (یو: ۱۲: ۳۲)؟

۲-راز تن یافت پسر خدا و راز تن یافت کلیسا

بوی گل دیدی آنجا که گل نبود جوش مل دیدی آنجا که مل نبود (مثنوی، دفتر اول، ۱۹۰۰)

جوان: قبلاً به من توضیح دادید که عیسای مسیح، تنها یک کلیسای واحد تأسیس کرده، حال به من می‌گویید که همه باید دعوت شوند. ولی این امر غیرممکن است! هر انسانی در میان یک نوع تمدن خاص زندگی می‌کند، تمدنی که بالاجبار محدود می‌باشد. پس چگونه باید در نظر گرفت که یک شخص ایرانی در مشارکت با یک شخص ژاپنی یا شخص عرب زندگی کند؟

پیر: برای انسان‌ها این امر غیرممکن به نظر می‌رسد «ولی خدا می‌خواهد که همه انسان‌ها نجات یابند» بنابراین در این مشارکت با عیسای مسیح نجات دهنده‌ی ما همه می‌توانند وارد شوند. باز یادآوری می‌کنم که مسیح برای نجات همه آمد و قربانی شد «چون خدا می‌خواهد که همه نجات بیابند» ما در این جا علت وجودی کلیسا و مأموریت آن را می‌بینیم: عروس خداوند (کلیسا)، تمامی امت‌ها و تمامی فرهنگ‌ها را در کلیسا جمع آورده تا آنها را به حضور خداوند تقدیم کند. به همین دلیل است که «امت‌ها در نورش سالک خواهند بود و پادشاهان جهان (به نمایندگی از سوی امت‌ها) جلال و اکرام خود را به آن خواهند درآورد و دروازه‌هایش در روز بسته نخواهد بود - و جلال و عزت امت‌ها را به آن داخل خواهند ساخت» (مکا، ۲۱: ۲۴-۲۶). روح القدس که کلیسای عروس را به سوی مصاحبت با داماد می‌برد، همه امت‌ها، قوم‌ها و فرهنگ‌ها را فرا می‌خواند تا به این مصاحبت بپیوندند. کلیسا به هیچ وجه اردوگاهی بسته به روی دنیا نیست: او عروس است و هدفش مشارکت افکار و اقوام مختلف در اتحاد و محبتی یگانه می‌باشد.

جوان: چگونه این مشارکت جهانی در کلیسای واحد امکان‌پذیر خواهد بود؟

پیر: خوب دقت کن، یکتایی و یکپارچگی دو موضوع مختلف می‌باشند که آن را با یکدیگر تداخل نموده‌ای، البته کلیسا مانند ارتش نیست که دارای یک لباس متحدالشکل باشد که با مارش نظامی رژه برود. کلیسای واحد باید متنوع و گوناگون باشد، چون خود مشارکت می‌باشد تمدن‌های گوناگون را در مشارکت بپذیرد در برابر این ارتش، عروسی زیبا لباس‌های متنوع و رنگارنگ و زیبایی دارد، البته این موضوع را با دقت حفظ کنید.

جوان: ولی برای من هنوز روشن نیست، کلیسای واحد یا چندین کلیساهای مختلف و گوناگون، نمی‌فهمم، لطفاً برایم تشریح نما.

پیر: از راز تن یافت پسر خدا، شروع کنیم تا تن‌گیری راز کلیسا در تمدن مختلف تعمق کنیم.

الف - راز تن یافت پسر خدا

(قبل از خواندن متن ذیل، عبر ۲: ۱۷ را بخوانید.)

هر انسانی محدودیت‌های متعدد، مختلف و خاص خود را دارد. از دیدگاه زمان، از تولد تا مرگ است زیرا در زمانی نسبتاً کوتاه زندگی می‌کند و تقریباً در یک قرن جا می‌گیرد؛ از دیدگاه مکان، طبعاً در کشوری زندگی می‌کند که تمدن و زبانی خاص دارد. و هم چنین هر تمدنی نیز محدودیت‌های زمانی و مکانی دارد و می‌دانیم که در جاهای مختلف، تمدن‌های بزرگی وجود داشته که فقط آثار و مقابری بزرگ از آنها بر جا مانده است.

اما خدا، هیچ محدودیتی ندارد چون از ازل تا به ابد «او هست»: یهوه. اما وقتی پسر خدا که از ازل تا ابد هست در زمان وارد شد و انسانیت ما را به عهده گرفت، شد عیسی ناصری که به عنوان انسان از ازل تا ابد وجود نداشته.

در بخش اول این کتاب، «میلاد خداوند ما عیسی مسیح» را به تفصیل مورد تعمق قرار دادیم. در این جا به بررسی دوباره این راز می‌پردازیم تا جنبه‌ای از آن را برجسته تر نماییم. تن یافت، معنی محدودیت را در بردارد یعنی در زمان مشخصی از تاریخ بشر و در یک مکان که شامل تمدن و فرهنگ ویژه‌ای است. کلام خدا با بر خود گرفتن طبیعت انسانی ما انسانی شد حقیقی، یعنی عیسی ناصری که در زمان هیروودیس و پنطیوس پیلطس در جلیل می‌زیست. عیسا که به زبان آرامی با لهجه مردم جلیل سخن می‌گفت، در کنیسه ناصره تعلیم و تربیت انسانی و مذهبی یافت. در برگزاری آئین‌های یهودی در کنیسه شرکت می‌جست که این آئین‌ها از طریق متون، زبان، سمبل‌ها و مراسمی که متعلق به فرهنگی ویژه بود بیان می‌شوند... او به ندرت به خارج از فلسطین سفر می‌کرد و همانند ساکنین ناصره، به احتمال زیاد، شناخت اندکی از زبان یونانی داشته است. پیام او گرچه جهانشمول بوده اما در وهله اول در فرهنگی خاص نمایان گردید. راز شخص او و ابعاد نجاتی را که به همراه آورد تنها با واقعه‌ی رستاخیز همگانی شد، رازی که از دیوار زمان عبور نموده تمامی محدودیت‌های خاص زمانی و فرهنگی را متلاشی کرده است.

به روایت انجیل یوحنا، هنگامی که دو نفر از یونانیان اشتیاق خود را برای دیدار عیسا ابراز میدارند عیسا فوراً پی می‌برد که موضوع گذر مرگ و رستاخیز اوست و چنین پاسخ می‌دهد: «ساعتی رسیده است که پسر انسان جلال یابد، آمین آمین به شما می‌گویم اگر دانه گندم که در زمین می‌افتد نمیرد تنها ماند لیکن اگر بمیرد ثمر بسیار آورد» (یو ۱۲: ۲۳-۲۴).

بنا به انجیل مرقس قدیس، نشانه‌ی دیگر جهانشمول بودن گذر عیسا این است که اولین کسی که ایمان خود را در برابر نحوه‌ی جان دادن عیسا بر روی صلیب شهادت داد افسر رومی مأمور اجرای حکم پیلطس بود: «چون افسری که مقابل وی ایستاده بود دید که بدین طور جان بداد گفت: فی الواقع این مرد پسر خدا بود» (مر ۱۵: ۳۹).

اما جهانی بودن نجات هر فرد و کل بشریت، در عیسای مسیح که بشریت ما را بر خود گرفت گسترش نمی یابد و تحقق نمی پذیرد مگر در راز کلیسا با قدرت روح القدس.

ب - راز تن یافت کلیسا

کلیسای اولیه که به دنبال عیسا به سوی امت ها فرستاده شد، مقررات تن یافت و محدودیت های آن را پذیرفت.

یادآوری می کنیم که کلمه ی کلیسا از کلمه ی عبری کهال که به معنی جماعت دعوت شده و دعوت کننده می باشد، گرفته شده است. بنابراین، کلیسا مجمع بسته ای نمی باشد، بلکه توسط عیسای مسیح فرستاده شده تا دعوت خدا را منتقل سازد.

جوان: اما چگونه این مأموریت امکان پذیر می باشد؟

پیر: در مورد این سؤال، ابتدا متن مهم و روشن شورای اسقفان واتیکان دو را یادآوری کنیم:

«کلیسا برای اینکه بتواند به راز نجات و زندگی که خدا آورده به همه معرفی کند باید در این همه فرهنگ های مختلف انسانی، باهمان حرکتی که خود عیسا از راه رازتن یافت خودباهمه ی اوضاع اجتماعی و فرهنگی مخصوص مردمانی که با آنان زندگی کرد مرتبط بود، جا بگیرد.» (به سوی ملل، شماره ی ۱۰)

همین موضوع در قرن سوم میلادی، جهت دفاع از مسیحیان، کتابی تحت عنوان «نامه به دیوگنت» نوشته شده می گوید:

«مسیحیان، نه به واسطه ی وطن، نه به واسطه ی زبان و نه به واسطه ی لباس، از دیگر انسان ها متمایز نیستند. نوع زندگی آنها هیچ چیز تفاوتی ندارد. هر کدام در میهن خود زندگی می کند ولی مثل غریبه ای مسکن گزیده است. آنها همه ی وظایف هم میهنان خود را به جای می آورند و همه ی مسئولیت ها را به عهده می گیرند. ولی به مانند غریبه ها، هر سرزمین غریبه ای وطن آنهاست و هر میهنی برایشان هم چون سرزمین غریبه است آنها به مانند همه ازدواج می کنند و مانند همه صاحب فرزند می شوند ولی فرزندان خود را رها نمی کنند. آنها، همگی سفره شان را به اشتراک می گذارند ولی بسترشان را نه.

پس، آنها بدن دارند ولی برحسب بدن زندگی نمی کنند، آنها زندگیشان را در زمین می گذرانند ولی وطنشان آسمان است» (به سوی ملل، شماره ی ۵۱).

درباره ی این وظیفه ی مهم کلیساهای محلی، مسئولیت مسیحیان را در متون شورای اسقفان واتیکان دو بسیار صریح و با جدیت تمام بیان شده:

«... آنان (مسیحیان) برای آن که بتوانند شهادت به مسیح را پر بار دهند باید با آن انسان ها با احترام و محبت ملحق شوند و خود را عضو گروهی بدانند که در آن زندگی می کنند و از طریق

تعهدات مختلف و انجام امور گوناگون زندگی بشری در زندگی فرهنگی و اجتماعی آنان سهیم شوند. باید آداب و رسوم ملی و مذهبی آنها را کاملاً بشناسند و بذره‌های کلام خدا را که در آنها پنهان است با خوشحالی و احترام مکشوف سازند. آنان باید به تغییرات عمیقی که در میان امت‌ها روی میدهد توجه کنند و سخت کار کنند تا انسان عصر حاضر که بیش از حد به علم و تکنولوژی در دنیای معاصر توجه می‌کند از امور خدایی منحرف نشوند بلکه بیشتر جذب آن محبت و راستی شود که به وسیله‌ی خدا الهام گردیده است. خود عیسا با بصیرت بر قلب انسان‌ها نگاه کرد و با گفتگوی واقعاً انسانی آنان را به سوی نور الهی هدایت کرده است. هم‌چنین شاگردانش که عمیقاً روح مسیح در آنان نفوذ نموده است باید کسانی را که در میانشان زندگی می‌کنند بشناسند و با ایشان شروع به گفتگو نموده تا با گفتگوی صادقانه و صبورانه خودشان بیاموزند که کدام ارزش‌ها را خدا در رحمت خویش به امت‌ها موهبت کرده است. در عین حال باید تلاش نمایند تا این ارزش‌ها را با نور انجیل روشن ساخته آنها را آزاد نموده و تحت تسلط خدای نجات‌دهنده درآورند.» (به سوی ملل، شماره ی ۱۱).

«ایمانداران مسیحی که از همه‌ی امت‌ها آمده و در کلیسا جمع شده‌اند و «به واسطه کشور، زبان یا نهادهای سیاسی از مابقی مردم متمایز نیستند». بنابراین باید برحسب آداب و رسوم قابل احترام کشور خود برای خدا و مسیح زندگی نمایند، باید به عنوان شهروندان خوب، صادقانه و فعالانه عشق به کشور را قوت بخشیده در حالی که آشکارا تبعیض نژادی یا ملی‌گرایی افراطی را مطلقاً رد میکنند، محبت جهانی را در میان انسان‌ها توسعه می‌دهند...»

اما تنها برای قوم مسیحی کافی نیست که در میان ملتی خاص حضور داشته و برقرار شود و نه تنها کافی است که صرفاً عمل رسالتی را توسط شهادت زندگی به اجرا درآورد، بلکه به این خاطر استوار شده و حضور دارد تا کلام و عمل مسیح را به غیرمسیحیان هموطن اعلام نموده و آنان را در جهت پذیرفتن مسیح کمک نمایند... (به سوی ملل، شماره ی ۱۵).

البته در جاهای دیگر همان متن، شورای اسقفان اشاره می‌کند: «شاگردان مسیح که در ارتباط نزدیک با مردم از طریق زندگی و کارشان هستند، امید دارند که شهادت مسیحی درستی را به آنان ارائه دهند و برای نجاتشان تلاش نمایند حتی اگر در جاهایی که نتوانند مسیح را به طور کامل بشارت دهند.» (به سوی ملل، شماره ی ۱۲).

در نتیجه، هر کلیسای محلی چون در فرهنگ خاص تن می‌گیرد، با آن فرهنگ تطابق پیدا می‌کند و آن فرهنگ را به عهده می‌گیرد. وقتی بر راز مسیح در نور این ارزش‌های خاص انسانی تعمق می‌کنیم، بعضی از نکات خاص این راز نجات را، به صورت دیگر و تکمیلی نسبت به کلیساهای محلی دیگر کشف می‌کنیم. بنابراین، هر کلیسای محلی در اتحاد توسط یک ایمان و یک تعمیم از کلیساهای محلی دیگر متمایز و متنوع می‌شود.

۳- کلیساهای محلی و کلیسای جهانی

الف - کلیسای محلی:

جوان: تعجب می‌کنم که به این آسانی فرق و تفاوت‌های مختلف و متعدد در کلیسا را قبول می‌کنید. فکر می‌کردم که کلیسا باید واحد باشد!



پیر: البته همین‌طور که مسیح فرمود کلیسا باید واحد باشد «یک گله و یک شبان» (یو ۱۴:۱۶ ر. ک ۱۷:۲۲-۲۳) و خواهیم دید که چگونه مسیحیان جهت وحدت کلیسا دعا می‌کنند (فصل ۹) اما اکنون باید پی ببریم که وحدت کلیسا با یگانگی که در نظم ارتش وجود دارد متفاوت است که آن مشارکت کلیساهای محلی می‌باشد.



جوان: این کلیسای محلی چیست؟

پیر: شورای اسقفان این‌طور جواب می‌دهد:



«اینها (کلیساهای محلی) به نمونه‌ی کلیسای جهانی شکل گرفته و در آنها و از راه آنها کلیساهای کاتولیک واحد وجود دارد. بنابراین، هر اسقف نماینده‌ی کلیسای خود هست و همه با هم همراه با حضرت پاپ، کلیسای جهانی را در رابطه‌ی آرامش، محبت و اتحاد، نماینده‌ی کلیسای جهانی هستند.» (نور جهان، شماره ۲۳).

کلیسای محلی جزئی یا قسمتی اداری یا حقوقی کلیسای جهان نیست زیرا در کلیسای محلی، کلیسای واحد، مقدس، جامع و رسولی واقعاً حضور داشته و فعالیت می‌کند.

همان‌طور که درباره‌ی حوزه‌ی اسقفی شورای واتیکان چنین اعلام می‌دارد:

«یک حوزه‌ی کلیسایی، بخشی از قوم خداست که به یک اسقف سپرده شده که با کمک گروه کشیشان آن را شبانی نماید، از این راه، این حوزه با وفاداری به شبان خود جمع‌آوری شده توسط روح القدس و از راه مژده‌ی انجیل و راز قربانی مقدس، کلیسای خاصی را تشکیل می‌دهد، که در آن واقعاً کلیسای مسیح یگانه، مقدس، جامع و رسولی حضور داشته و فعال می‌باشد.» (مأموریت شبانی اسقفان، شماره ۱۱).

در سال ۱۹۹۰ پاپ ژان پل دوم نیز در نامه رسمی خود به اهمیت کلیسای محلی جهت اعلام مژده مسیح توجه کرده نوشت:

«چون کلیسا با وارد شدن در تمدن‌ها، مژده‌ی انجیل را در فرهنگ مختلف، زنده می‌گرداند و در عین حال، امت‌ها را با فرهنگ خودشان، در جمعیت مسیحی خود پذیرا می‌گردد، و به آنان ارزش‌های خود را منتقل می‌سازد و نکات مثبت این تمدن‌ها را به عهده گرفته از درون آن‌ها را متحول می‌گرداند. کلیسا با وارد شدن در فرهنگ هر امتی، نشانه‌ی روشن‌تری درباره‌ی راز خود و وسیله‌ی مؤثرتری جهت مأموریت خود می‌شود.»

خود کلیسای جهانی از راه این فعالیت کلیساهای محلی از دیدگاه طرز بیان جدید و ارزش های نوین در زمینه های مختلف زندگی مسیحی، غنی می سازد، مثلاً در زمینه ی اعلام مژده، عبادت، علم الهیات و کارهای محبت آمیز و غیره. از این راه، راز مسیح را بهتر شناخته آن را روشن تر بیان می کند و دعوت می شود که احیا گردد.» (شماره ی ۵۲).

و در همان نامه، پاپ ژان پل دوم تصریح می کند که «بعد از شورای اسقفان واتیکان دو، گسترش جنبش الهیاتی را می بینیم که نشان می دهد تمام راز کلیسا در هر کلیسای محلی وجود دارد، به شرط آن که کناره گیری نکرده بلکه در مشارکت با کلیسای جهانی بماند و به نوبه ی خود مأموریت خویش را به عهده بگیرد.» (شماره ی ۴۸).

پاپ ژان پل دوم، در نامه ی مورخ دوم می ۱۹۹۵ با عنوان «نور شرقی» چنین نوشت: «الهام مژده به صورت تطبیقی و کاملاً قابل تفهیم اعلام می شود، وقتی که مسیح توسط کلیساهای محلی با زبان امت های مختلف صحبت می کند. بدین ترتیب وقتی این امت ها بتوانند کتاب مقدس و آیین مقدس را در زبان خودشان و با استفاده از فرهنگ خودشان بخوانند، تقریباً کارهای شگفت خدا در روز نزول روح القدس را احیا می کنند.»

و باز در ادامه این گونه تذکر می دهد: «بدین ترتیب، یاد می گیریم که اگر بخواهیم دوباره شاهد انحصارطلبی و ملی گرایی افراطی نباشیم، باید درک کنیم که اعلام مژده باید به طور عمیق در همان شرایط در تسریع فرهنگ ها ریشه دوانیده و نیز به سوی همگرایی عالم گیری در یک تبادل متقابل جهت غنی شدن مشترک است گام بردارد.» (شماره ی ۷)

بنابراین، کلیساهای محلی باید دو وظیفه ی مشخص و ظاهراً متضاد را به عهده گیرند. اولاً به عهده گرفتن یک تمدن خاص تا بتوانند مأموریت خود را در آن تمدن به اجرا درآورند و در عین حال با بازگذاشتن خود بر روی ارزش های جهانی در مشارکت با کلیساهای محلی دیگر، تا راز کلیسای واحد و جامع را عیان سازند.

کلیسای کاتولیک مطلقاً گردان و هنگ نظامی نیست که با یک لباس متحدالشکل و آهنگ قدم ها رژه برود. هر چند بعضی ها می خواستند کلیسا را یکی سازند با حفظ کردن، یک شکل شاگردان، یک طرز علیم و یک زبان در آیین مذهبی. اما یک دست شدن بر ضد مشارکت و تنوع کلیساهای محلی می باشد.

ب - کلیسای جهانی

کلیسای جهانی مشارکت تمام کلیساهای محلی در ایمان و برپا کردن آیین مقدس در تمام جهان متحد می باشند. اما کلیسای جهانی، مجموع یا اتحادیه یا ترکیب کلیساهای محلی نیست، ولی همه با

هم همان کلیسای خدا می باشند که در این دنیا حاضر شده عمل می کند. مشارکت کلیسای محلی که توسط اعلام کلام خدا و برپا کردن رازهای مقدس جمع شده اند، کلیسا خود را اظهار می کند. موضوع کلیسای جهانی، گوناگونی اوضاع فرهنگی و اجتماعی دنیا را محترم می شمارد. شورای واتیکان دوم اظهار نموده که مسیحیان با حفظ وحدت در موارد لازم، آزادی خود را حفظ می کنند خواه در باره ی راه های مختلف زندگی روحانی و انضباطی خواه در تنوع آیین مذهبی و حتی در طرح ریزی الهیاتی حقیقت اعلام شده (ر. ک وحدت گرایی شماره ی ۱۶ و ۱۷).

راز کلیسای کاتولیک در هر کلیسای محلی که اتحاد ایمان و سلسله مراتب اسقفی را حفظ می کنند حاضر و فعال می باشد. کلیسای جهانی یا کاتولیک، بیرون از مشارکت کلیساهای محلی و بالاتر از آن نمی تواند وجود داشته باشد. در واقع، کلمه ی کاتولیک که در قانون ایمان آمده، مثل واحد، مقدس یا رسولی، صفت است که به کلیسا اختصاص دارد. در باره ی وحدت کلیسا، شورای اسقفان واتیکان اعلام نمود: «مسیح این اتحاد را به کلیسای خویش از آغاز موهبت کرده است، و ایمان داریم که در کلیسای کاتولیک به صورت لایزال وجود داشته، و امیدواریم که روزها بعد از روزها تا پایان دهر همچنان به رشد خود ادامه دهد» (وحدت گرایی، شماره ی ۴).

حقیقتی که در باره ی صفت واحد گفته شده در باره ی کلمه ی کاتولیک در مورد هر کلیسای محلی صادق است.

نتیجه:

در نتیجه ی این بحث باید با قدرت تمام اظهار کنیم که کلیسای محلی کاملاً کلیسای کاتولیک می باشد ولی تمام کلیسای کاتولیک نمی باشد. یک کلیسای محلی هیچ وقت نباید به صورت جداگانه در نظر گرفت بلکه در ارتباط زنده ی خود با دیگر کلیساهای محلی، مشارکت را اظهار می نماید. جنبه ی کاتولیک بودن که در هر کلیسای محلی وجود دارد ارتباط و وابستگی مشترک کلیساهای محلی را در بردارد. اگر یک کلیسا منزوی گردد و کوشش کند که به صورت خودمختار نسبت به کلیساهای محلی دیگر زندگی کند یک جنبه ی اساسی راز کلیسا را در خود مخدوش می سازد، زیرا کلیسای محلی موجودیتی خودکفا نمی باشد بلکه به عنوان قسمتی از شبکه ی مشارکت، تنها راز کلیسای کاتولیک را در خود حفظ می کند با حفظ مشارکت با دیگر کلیساهای محلی. از ابتدای مسیحیت کلیساهای محلی با همدیگر ارتباط داشته اند و این مشارکت به صورت گوناگون بیان می شد: تبادل اقرار ایمان، مکاتبات، مهمان نوازی، بازید متقابل، کمک مادی، و شورای اسقفی... (۲- قرن ۸: ۷-۲۴-۱- قرن ۱۱: ۱۶، ۱۴: ۳۳؛ اع ۱۲: ۱۲، ۱۲: ۲۰-۱- تسا: ۷-۹: ۲: ۱۴-۲- تسا: ۱: ۴-۱- قرن ۱۶: ۱۹-۲۱- روم: ۱۶: ۱۶؛ فیلی: ۳-۲۱-۲۲ و غیره). همین طور که خواهیم دید (باب ۹) در کلیسای کاتولیک، کرسی رم و اسقف مربوطه که جانشین پطرس می باشد خدمت

اتحاد و مشارکت مابین همه ی کلیساهای محلی را برعهده دارد. اما بحث و جدل درباره ی همکاری مابین اقتدار محلی و اقتدار کلیسای محلی رم مسئله ای است که هنوز لاینحل مانده و خود حضرت پاپ درخواست کرد که جهت احیای خدمت او به سوی اتحاد و مشارکت با مسئولان با یکدیگر مشورت نمایند (ر.ک نامه پاپ ژان پل دوم به عنوان «تا یکی شوند» شماره ی ۹۶).

جوان: مطالبی که اینک بیان نمودید به نظر من واقعاً دشوار است! به طور خلاصه آیا باید یک کلیسا وجود داشته باشد یا کلیساها؟



(سیاه قلم نان مقدس تقدیس شده) پیر: چنان چه موافق باشی، شاید بتوانم با دو مثل پاسخ بهتری به پرسشت بدهم که ما را در درک مطلب یاری دهد... اولاً وقتی در قربانی مقدس شرکت می کنی، کشیش پاره ای از تن مسیح را در کف دست یا روی زبان تو قرار می دهد. اما نیک می دانی که کشیش، با تقسیم نان تقدیس شده، تن مسیح را تکثیر نکرده است زیرا همان یگانه تن مسیح است که به طور کامل و بی کم و کاست در هر یک از آن پاره ها حضور دارد. آنچه در خصوص نان تقدیس شده صدق می کند درباره ی کلیسا، تن مسیح نیز صادق است. در هر یک از کلیساهای محلی، راز جهانی کلیسا، که تن مسیح و معبد روح القدس است، سکنی دارد و به تحقق می رسد. بنابراین تنها یک کلیسای کاتولیک وجود دارد که در کلیساهای مختلف محلی در پهنه ی جهان و در طول تاریخ، در زمان و مکان تحقق می یابد بلکه «تن می گیرد».

با مسئله ی دوم من، ممکن است این مسئله عجیب به نظر آید. به تصویر ذیل نگاه کنید که در بروکسل به نام تصویر اتمییم نصب گردیده که نشانگر اتم آهنی می باشد. این اثر در نمایشگاه جهانی سال ۱۳۵۸ به نمایش گذاشته شده که ارتفاع آن ۱۰۲ متر و وزن آن ۲۲۰۰ تن می باشد. حال این اثر با مسئله ما چگونه می تواند ارتباط داشته باشد؟ پس لطفاً به این نکات توجه کن:

۱- هر یک از این گلوله ها نسبت به گلوله ی دیگر هم اندازه می باشد، پس اگر هر گلوله نشانگر یک کلیسای محلی باشد می بینیم که هر گلوله، راز کلیسای کاتولیک را در خود دارا می باشد.

۲- بر روی هر گلوله خطوط مختلف خورده است به این معنی که هر کلیسای محلی، ارزش های تمدن خود را دارا می باشد که با تمدن و کلیسای محلی دیگر تفاوت دارد.

۳- هر گلوله با سایر گلوله ها مرتبط می باشد و چنانچه گلوله ای از گلوله دیگر جدا گردد، گلوله خواهد افتاد. به این معنی که اگر یک کلیسای محلی مشارکت خود را با دیگر کلیساها قطع کند از میان خواهد رفت.

۴- اما باید توجه کرد که در مرکز این تصویر یک گلوله خاص وجود دارد که با همه دیگر گلوله ها مرتبط می باشد به این معنی که کلیسای محلی رم، مسئولیت خاص جهت اتحاد تمام کلیساها را دارا می باشد.

البته در این جا فقط یک مثال داریم و مانند همه ی مثال ها محدود و ناقص می ماند، مخصوصاً نکته ی سوم که اشاره کردیم، به هیچ وجه بدین معنی نیست که کلیسا از کرسی رم جدا شده، هیچ معنی و ارزشی نداشته باشد؛ برعکس، از دیدگاه کلیسای کاتولیک، حتی اگر مشارکتش ضعیف شده و از کلیساهای محلی دیگر فاصله گرفته باز به ایمان به عیسای مسیح وفادار می ماند. بنابراین پاپ یوحنا بیست و سوم درباره ی این موضوع اعلام کرد: «تکه ای از سنگ زر خیز، طلای خود را نگه داری می کند.»

جوان: با توضیحاتی که اینک دادی، بهتر متوجه دو تفکر اشتباه خودم شدم. گمان داشتم کلیسای جهانی مجموعه یا فدراسیون کلیساهای محلی است. گاهی هم چنین فکر می کردم که کلیساهای محلی مانند تعدادی سیاره به دور کلیسای جهانی که همان کلیسای روم باشد می گردند...



پیر: توجه کنید، به نظر شما مابین کلیسای جهانی و سازمان ملل چه فرقی وجود دارد؟ البته سازمان ملل ارزش خاص خود را دارد و در آن امت های مختلف همکاری می نمایند تا صلح در دنیا برقرار شود و تا اندازه ای عدالت مابین ملت ها وجود داشته باشد که این کار انسانی درخور تحسین می باشد.



اما راز کلیسای کاتولیک، فیض خدایی است که به ما داده شده است. دیدیم که چگونه عیسا، کاملاً انسانیت ما را به عهده گرفت. اما مأموریت خود را تنها در سرزمین موعود محدود نمود. چنین راز الهی به کلیسا داده شد بدین معنی که خدا راز کاتولیک بودن کلیسا را به هر کلیسای محلی اعطا می کند، به عنوان امکان مشارکت با همه ی کلیساهای محلی دیگر و خدمت به همه ی انسان ها. اما کلیسای جهانی تحقق یافته و تن گرفته، تنها به وسیله ی مشارکت همه ی کلیساهای محلی. البته شورای اسقفان واتیکان دوم، بر اتحاد کلیساهای محلی و مشارکت خاص ایشان، با اسقف رم به عنوان چانشین پطرس رسول (ر. ک باب ۹) تأکید می کند. بنابراین، قوم خدا واحد است اما در مأموریت خود جهت پذیرش تمدن های مختلف، متنوع می گردد.

مجمع اسقفان تفاوت های موجود بین کلیساهای محلی را به طور برجسته ای مطرح نمود زیرا کلیسا به راستی خود را موظف می داند تمامی ملل و جملگی ارزش های انسانی را با همه ی تنوع آنها برعهده گیرد. «در میان تمام ملل زمین تنها یک قوم خدا وجود دارد که شهروندان خویش را از همه ی نژادها گرفته و آنان را شهروندان ملکوتی می سازد که دارای ویژگی آسمانی و نه زمینی می باشد. زیرا همه ایمانداران پراکنده در سراسر جهان، با یکدیگر در روح القدس مشارکت دارند، به طوری که «آن کسی که در رم زندگی می کند می داند که ایمان داران هند و شبان آنها اعضای وی می باشند.» (یوحنا دهان طلایی). از آنجایی که ملکوت مسیح از این جهان نیست (ر. ک یو ۱:۳۶)، کلیسا یا قوم خدا با استقرار این ملکوت، از ثروت های مادی ملل مختلف، چیزی

نمیگیرد، بلکه ثروت ها، منابع و رسوم هر قوم را اگر نیکو باشند پرورش داده و در خود می پذیرد. هم چنین آنها را پاک نموده، تقویت می کند و متعالی می سازد. در این امر، کلیسا متوجه است که باید همراه آن پادشاهی که همه ی ملت ها به میراث وی داده شده اند (ر. ک مز ۲: ۸) و آنان هدایا و پیشکش ها به داخل شهر او می آورند (ر. ک مز ۲۷: ۱۰، اش ۴: ۶-۷، مکا ۲۱: ۲۴) باید کار جمع آوری محصول را انجام دهد. این خصوصیت جهانی بودن قوم خدا که زینت بخش آن می باشد، هدیه ای از خود خداوند است. از آن رو کلیسای کاتولیک به طور مؤثر و مداوم می کوشد تا تمامی بشریت را با همه غنایش، در اتحاد روح مسیح، به سوی مسیح که سر آن کلیسا است بازگرداند. (نور ملل، شماره ی ۱۳).

جوان: اما سؤال دیگری هم برای من مطرح است: پولس رسول از کلیسای خدا در شهرهای قرنتس، روم، افسس یا جاهای دیگر سخن می گوید. هم چنین کتاب مکاشفه از هفت کلیسای آسیای صغیر نام می برد که منظور کلیساهای محلی است. اما به غیر از موقعیت جغرافیایی هیچ تفاوتی بین این کلیساها وجود ندارد یعنی آنها صرفاً یک نمونه ی واحد را تکرار می کنند...

پیر: اتفاقاً نامه های پولس نسبت به همدیگر بسیار متفاوت هستند و این بسیار طبیعی است زیرا پولس به سؤال های خاص هر کلیسای محلی در ارتباط با زندگی، محیط اجتماعی و تجربیات روحانی خود کلیسا، جواب می دهد.

اما در ارتباط با کتاب مکاشفه اگر با دقت کافی هفت نامه به هفت کلیسای آسیا را مطالعه کنی برعکس متوجه تفاوت های متعددی خواهی شد. تجربه ی روحانی هر یک از آنها تجربه ی خاصی است، نظیر آن مسیری که روح القدس تک تک ما را از آن می گذراند: خدا ما را به نام دعوت می کند. به علاوه، هر جماعت مسیحی خاص، دعوت خدا را با وفاداری کم یا زیاد خود پاسخ می دهد که همین نشانه میزان حیات روحانی آن کلیساست یا بالعکس، بیانگر وسوسه ها و خطراتی است که باید با آنها روبه رو شود. بالاخره، جامعه ای که هر یک از این کلیساها در آن زندگی می کند دارای ویژگی های بارز و مشخص انسانی است؛ مثلاً از جهت منابع طبیعی یعنی امکانات کسب و کار، از لحاظ روال زندگی و آداب و رسوم اجتماعی، از نظر اهمیت سیاسی و نظامی و غیره... هر کلیسا جامعه ی انسانی خاصی را مخاطب قرار می دهد که این امر تأثیر خود را بر نحوه ی بیان مژده ی عیسا و در نتیجه، بر نحوه ی اندیشیدن بر آن مژده می گذارد. ضمناً، همان طور که می دانی ما چهار انجیل داریم که هر یک سیمای خاص خود را دارد زیرا هر یک از انجیل نگاران در دل یک کلیسای محلی زندگی می کرد و گروه انسانی خاصی را مخاطب خود قرار می داد (ر. ک کتاب هفت نامه، مکاشفه ی یوحنا، کلیساهای اولیه).

همان طور که در کلیسای اولیه، امروز نیز کلیسای واحد جهانی باید در کلیساهای محلی مختلف تنوع پیدا کند.

«به خاطر کاتولیک بودن هر عضو (به معنی کلیسای محلی) با اعضای دیگری و کل کلیسا، عطایای خاص خود را می دهد. بدین ترتیب، هر عضو و همه ی اعضا از راه تبادل متقابل جهانی و توسط کوشش مشترک به سوی اتحاد کامل رشد می کنند. بنابراین قوم خدا، نه تنها از جمع آوری امت های مختلف، بلکه از مسئولیت های مختلفی که به خود تشکیل می دهد به وجود می آید.

در واقع، مابین ایمان داران تنوع هایی وجود دارد، خواه به خاطر مسئولیت ها چون بعضی ها جهت برادران خود، خدمت مقدسی در بردارند؛ خواه به خاطر احوال و طرز زندگی، چون بسیاری در حالت رهبانیت از راه تنگ، تقدس را می جویند، و برای برادران نشان نمونه ی زنده می باشند. باز به این دلیل در اندرونی مشارکت کلیسا بر حق است که کلیساهای محلی، همراه با سنت خاص وجود دارند. با علم به این که کرسی پطرس رسول مرجعیت دارد که به ائتلاف جهانی محبت ریاست می کند. و تنوع های مشروع را حفظ کرده و در همان وقت توجه می نماید که ویژگی نه تنها به ضرر اتحاد نباشد، بلکه برعکس، مفید در جهت آن باشد.

بالاخره از همین جا، در میان اعضای مختلف کلیسا، ارتباط مشارکت عمیق درباره ی ثروت های روحانی، خادمین رسولی و منابع مادی سرچشمه می گیرند. در واقع، اعضای قوم خدا، خوانده شده اند تا ثروت های خود را تقسیم کرده. چنان چه گفتار پطرس رسول خطاب به هر یک از کلیساهاست. «هر یک به حسب نعمتی که یافته باشد، یکدیگر را در آن خدمت نماید، مثلاً و کلاً، امین فیض های گوناگون خدا». (۱- پطرس ۴: ۱؛ نور ملل، شماره ی ۱۳).

اهمیت تنوع بین کلیساهای محلی برای برقراری مشارکت مورد تأکید مجمع اسقفان در خصوص کلیساهای محلی ماهیتی کلیساهای مشرق زمین قرار گرفت:

«تدبیر الهی، این امکان را به وجود آورده است که کلیساهای مختلف مستقر در مکان های گوناگون به وسیله رسولان و جانشینان آنها، در طول زمان در گروه های متعددی بر پایه ی مشارکت قرار گیرند، که با حفظ اتحاد ایمانی و سرشت یگانه الهی کلیسای جهانی، از نظم و مقررات خود، کاربرد آیین پرستشی خویش، میراث علم الهی و روحانی خودشان برخوردار باشند. برخی از این کلیساها به ویژه کلیساهای پاتریارکی کهن، با ایفای نقش ولدی ایمان، دیگر کلیساها را هم چون فرزند به دنیا آورده اند. کلیساهای جدیدتر، با رشته محبت در زندگی رازگونه و در احترام متقابل حقوق و وظایف، تا به امروز با کلیساهای کهن مرتبط هستند.

این گوناگونی کلیساهای محلی با همگرایی خود در اتحاد، کاتولیک بودن کلیسای تقسیم ناپذیر را با درخشندگی نشان می دهند. به همین طریق مجامع اسقفی امروزه به همکاری چند جانبه و ثمربخش تمایل دارند، تا آن که این حس همکاری جمعی عملاً تحقق یابد.» (نور ملل، شماره ی ۲۳ (ر.ک) نهضت بین الکلیسایی شماره ی ۱۴-۱۷ و کلیساهای کاتولیک شرق شماره ی ۲ و ۳).

البته شورای اسقفان واتیکان دو، خواستار آن نبود که کلیساهای شرق و پاتریارک های آنان به عنوان نهادی قدیمی و بی فایده به تدریج از میان برود بلکه برعکس دستور داد: «به خاطر سنن بسیار کهن، کلیسا احترامی خاص جهت به پاتریارک های کلیساهای شرق واجب است، زیرا بر حوزه ی پاتریارک های خود، به عنوان پدر و مسئول ریاست می کنند؛ بنابراین این شورا تصمیم گرفت حقوق و امتیازهای آنان، بر طبق سنن قدیم هر کلیسا و طبق تصمیمات شوراها ی جهانی احیا گردند» (...). (کلیسای کاتولیک شرق، شماره ۹).

بنابراین به وضوح می بینیم که احتراز از یکنواختی به نفع مشارکت کلیساهای محلی، که همانا کلیسای عیسا مسیح است تا چه حدی ضرورت دارد. در نتیجه، می بینیم که تنوع ها لازم است، هم برای مأموریت جهانی، هم برای مشارکت در کلیسای محلی، که این دو موضوع را اکنون بررسی می نماییم.

۴- تنوع های ضروری برای آن رسالت جهانی که عیسا به رسولان سپرد

هر گلی کاندرو درون بویا بود آن گل از اسرار گل گویا بود (مثنوی، دفتر اول، ۲۰۲۲)

بدیهی است که انسان ها و تمدن، تاریخ و ارزش های فرهنگی آنان تفاوت های بسیاری با هم دارند. کلیسای عیسا مسیح نمی تواند این همه ارزش ها را برعهده گیرد مگر این که هر کلیسای محلی با آن تمدن خاص که به سوی آن فرستاده شده است تطابق و هماهنگی حاصل کند. تردیدی نیست که چنین تطابقی در آیین این کلیسا و هم چنین در آداب و رسوم آن و حتی در طرز تعمق در راز خدا و بیان آن تأثیر گسترده ای می گذارد. زیرا هر کلیسای محلی با داشتن روح القدس، قدرت آن را دارد که چنین تطابق و هماهنگی را در وفاداری به راز مسیح و با حفظ مشارکت با کلیساهای محلی دیگر صورت عمل بخشد. زیرا روح القدس به هر کلیسای محلی قدرت می دهد هم جهت منطبق نمودن خود به تمدنی خاص و هم حفظ کردن مشارکت خود با دیگر کلیساهای محلی.

پیوند دادن انجیل در تمدن های امت ها

پاپ ژان پل دوم با عنوان فوق توضیحاتی درباره ی مسئولیت کلیسا نه تنها در جهت تطابق انجیل در تمدن ها بلکه پیوند دادن آن فرهنگ ها، در نامه ی خود با عنوان «مأموریت مسیح نجات دهنده ی ما» توضیح داده می گوید:

۵۲- کلیسا با بکار بردن مأموریت شهادتش در میان قوم ها، با فرهنگ های مختلف رابطه برقرار کرده و خود را در روند پیوستن به تمدن ها متعهد می شود و این حرکت الزامی است که در تمام طول تاریخ خود وجود داشته و امروز به صورت خاص ملموس و ضروری شده است.

روند جاگیری کلیسا در فرهنگ های امت ها بسیار طولانی است. موضوع تطابق ساده بیرونی نیست. زیرا پیوند دادن، دو حرکت در بردارد؛ هم تعبیر عمیق ارزش حقیقی فرهنگ ها توسط ادغام آن در مسیحیت و نیز ریشه دوانیدن مسیحیت در تمدن های مختلف می باشد. بنابراین، روندی عمیق و کلی می باشد که پیام مسیحی و هم چنین تفکر و طرز عمل کلیسا در بردارد.

علاوه بر این، روندی مشکل می باشد زیرا هیچ وقت نباید ویژگی ایمان مسیحی و تمامیت آن را به مخاطره بیاندازد.

با این عمل پیوستن، کلیسا مژده ی انجیل را در فرهنگ های مختلف پیوند می دهد و در عین حال، امت ها را با تمدن های خویش در مشارکت خود وارد می کند و به آنان نور انجیل و ارزش های آن را انتقال می دهد و نکات خوب و مثبت این فرهنگ ها را به عهده گرفته، از داخل آنها را احیاء می کند. از طرف خود توسط این پیوستن به تمدن ها، کلیسا راز خود را بهتر ارائه می دهد و وسیله ی عملی تر جهت مأموریتش می گردد...

۱-۵۲- کلیسا با شهادت دادن به مسیح در میان امت ها با فرهنگ های مختلف تماس گرفته و روند پیوستن به تمدن ها وارد می شود. این وظیفه در طول فعالیت تاریخی اش همیشه وجود داشته و امروز به صورت خاص محسوس و ضروری می باشد.

۳-۵۲- (...) کلیسا با پیوستن به تمدن ها، میان انجیل در میان فرهنگ های مختلف انجیل تن گیری می نماید. همزمان امت ها را با فرهنگ های خویش در مشاورت خود وارد می کند. و با به عهده گرفتن نکات مثبت که در این تمدن ها وجود دارد و احیا کردن آنها، ارزش های خاص خود را به آنها منتقل می سازد. کلیسا از راه پیوستن به تمدن ها نشانه روشن تر راز خود و وسیله ی تطابق جهت مأموریت خویش می شود.

۴-۵۲- این فعالیت در کلیساهای محلی باعث می شود که خود کلیسای جهانی را با بیان ها و ارزش های نوین غنی می سازد. این ترقی در زمینه های مختلف زندگی مسیحی، مثل شهادت دادن، برپا کردن آیین نیایش، خداشناسی یا خدمت به فقرا دیده می شود. بنابراین، کلیسا راز مسیح را عمیق تر می شناسد و روشن تر بیان می کند و به احیا همیشگی برانگیخته می شود (...).

۵-۵۲- البته این پیوستن به تمدن ها روند مدام است که تمام وسعت زندگی شاهدان در بردارد. به همه ی کارگزاران در شهادت به امت ها مربوط می شود مثل کلیساهای محلی به همان سنت رشد آنها و مخصوصاً شبانانی که مسئولیت تشخیص دادن این روند و تشویق کردن آن را به عهده دارند.

۵۴-... چنین روندی باید تدریجاً انجام شود تا واقعاً بیانگر تجربه ی مسیحی کلیسای محلی باشد. پاپ پل ششم در شهر کاپالا اظهار کرده بود: «رشد نهانی راز مسیحی در نبوغ امت شما دوره ی الزامی می باشد تا بعد صدای اصیل شما به صورت روشن تر و آشکارتر در هم خوانی صداهای دیگر کلیسای جهانی به صورت هم آهنگ بیان شده و طنین افکند».

بالاخره، پیوند دادن باید کار همگانی در قوم خدا شود و نه تنها کوشش بعضی از متخصصین زیرا کاملاً آشکار هست که قوم خدا معنی صحیح ایمان را که هیچ وقت نباید از دیده پنهان شود منعکس می کند...

۱-۵۴- روند پیوستن به تمدن ها باید با دو اصل مهم به درستی اجرا شود: سازگاری با انجیل و مشارکت با کلیسای جهانی. اسقفان با عنوان نگهبان گنجینه ی ایمان به وفاداری و مخصوصاً تشخیص دادن این روند توجه خواهند کرد. البته برای این تشخیص تعادل روحانی و عمیق الزامی است، زیرا این خطر وجود دارد که بدون تمیز دقیق از وابستگی به فرهنگ مبداء و زیاده روی در عکس العمل در وابستگی به فرهنگ مقصد نیز بخوریم، با علم به این که هر تمدن نتیجه ی کوشش انسان بوده که با گناه زخمی شده، خود فرهنگ احتیاج دارد که تطهیر شده و تکامل یابد.

در باره ی به عهده گرفتن ارزش های مختلف تمدن ها، تا هر کلیسای محلی آن را در نیایش خود به مسیح تقدیم کند، شورای اسقفان در باره ی آیین مقدس، این موضوع را تأکید می کند و خلاصه ی تعلیم رسمی کلیسای کاتولیک در قسمتی به عنوان «آیین راز گذر» چنین اعلام می کند:

۲۳۶- چگونه آیین مقدس اجرا می شود؟

اجرای آیین مقدس با دربر کردن نشانه ها و نمادها برقرار می گردد که معنی آنها در خلقت و تمدن های انسانی ریشه دوانیده، با در نظر گرفتن اتفاقات عهد قدیم، آشکارتر شده، و در شخص و اعمال مسیح کاملاً انجام می گیرد.

۲۴۷- به چه دلیل یکتا راز مسیح در کلیسا، طبق سنت های مختلف نیایش بر پا می گردد؟

بدین دلیل که تنها یک سنت آیین نیایشی نمی تواند ارزش بی انتهای راز مسیح را کاملاً بیان کند. بنابراین، از آغاز کلیسا این ارزش عظیم در امت های متعدد و تمدن های مختلف، ابرازهای متنوع و مکمل همه گیر و قابل تحسین پیدا کرده است.

۸- چه معیاری در این تنوع، اتحاد را تضمین می نماید؟

این اتحاد تضمین می گردد با وفاداری به سنت رسولی، یعنی مشارکت در ایمان و در رازهای هفت گانه که از رسولان پذیرفته شده است. مشارکتی که سلسله مراتب رسولی آن را دلالت و تأیید کرده و می کند. چون کلیسا کاتولیک یعنی جهانی می باشد، می تواند در اتحاد خود همه ی ارزش های واقعی، تمدن های مختلف را ادغام کند.

۲۴۹- آیا در آیین مقدس، همه چیز تغییر ناپذیر هست؟

در آیین مقدس، مخصوصاً آیین رازهای هفت گانه، قسمت های تغییر ناپذیر وجود دارد، بدین دلیل که خدا همان را برقرار کرده و کلیسا با وفاداری آنها را حفظ می کند. اما قسمت هایی نیز وجود دارد که تغییر پذیر می باشند و کلیسا اقتدار، و گاهی اوقات وظیفه دارد آنان را به تمدن های امت های مختلف، بطابق دهد.

۵- هر کلیسای محلی، مشارکت تنوع ها می باشد

هر گلی کاندردرون بویا بود آن گل از اسرار گل گویا بود (مشوی، دفتر اول، ۲۰۲۲)

در گروه هم نوازان، صداهای مختلف و آلات موسیقی گوناگون لازم است تا به آوای دل نشین سمفونی برسیم و در هر گروه هم چنین هست اگر همه یکسان باشند به رقابت می رسیم، اما اگر متفاوت و گوناگون همکاری و مکمل یک دیگر بودن امکان پذیر هست، بنابراین در هر کلیسایی چنین واقعیتی وجود دارد.

برای این که کلیسای محلی بتواند مأموریت خود را انجام دهد، باید انسان ها با ارزش های متفاوت و هم چنین عطایای مختلف روح القدس، همکاری کنند، تا به احتیاجات متعدد ملتشان جوابگو باشد (۱- قرن ۱۲-۱۳).

در واقع کلیسای محلی، انسان هایی با زمینه های گوناگون را در اتحاد گرد هم می آورد: مرد و زن، پیر و جوان، تحصیل کرده و بی سواد، تابع این یا آن کشور، متعلق به این یا آن قوم، بیمار یا تندرست، ثروتمند یا فقیر... و کسانی که طبق تعالیم انجیل باید در ردیف اول جای داده شوند هرچند از دیدگاه انسانی ممکن است اهمیت خاصی نداشته باشند: «ای برادران من، جاه و مقام اشخاص را با ایمان به خداوند پرجلال ما عیسای مسیح در هم نیامیزید. زیرا اگر شخصی با انگشتی زرین و لباس نفیس وارد مجلس شما شود و فقیری نیز با لباس کثیف آید و به صاحب لباس فاخر متوجه شده گوئید بیا در صدر مجلس بنشین و به آن فقیر گوئید تو همان جا سر یا بایست یا زیر پای انداز من بنشین، آیا با این عمل، در میان خود تمایز قائل نشده اید و با خیالات فاسد داوری نکرده اید» (یع ۲: ۱-۴). «اما اگر آن شریعت ملوکانه ی خدا را بر حسب کتاب به جا آورید یعنی همسایه ی خود را مثل نفس خود محبت نما، نیکویی کنید، اما اگر ملاحظه ی جاه و مقام اشخاص را می کنید مرتکب گناه می شوید و همان شریعت شما را به خطاکاری ملزم می سازد» (یع ۲: ۸-۹).

از آن مهم تر این است که تنوع ها خود از عطایای گوناگون ناشی می شود که خدا به یکایک ایمان داران ارزانی می فرماید. نعمت ها متفاوتند همان طوری که حضرت پولس می نویسد: «درباره ی عطایای روحانی، ای برادران نمی خواهم شما بی خبر باشید، می دانید هنگامی که بت پرست می بودید، به سوی بت های گنگ برده می شدید. به طوری که شما را می بردند. پس شما را خبر می دهم که هر که متکلم به روح خدا باشد، عیسا را آناتیما (یعنی اخراج شده) نمی گوید و احدی جز به روح القدس نمی تواند بگوید عیسا خداوند است. و نعمت ها انواع است، ولی روح همان؛ و خدمتها انواع است اما خداوند همان و عمل ها انواع است، لکن همان خدا همه را در همه عمل می کند. ولی

هر کس را ظهور روح به جهت منفعت عطا می شود زیرا یکی را به وساطت روح، کلام حکمت داده می شود و دیگری را نعمت های شفا داده به همان روح و یکی را قوت معجزات و دیگری را نبوت و یکی را تمییز ارواح و دیگری را اقسام زبان ها و دیگری را ترجمه ی زبان ها. لکن در جمیع این ها همان یک روح فاعل است که هر کس را فرداً به حسب اراده ی خود تقسیم می کند. زیرا که جمیع ما به یک روح در یک بدن تعمید یافتیم. خواه یهود، خواه یونانی، خواه غلام، خواه آزاد و همه از یک روح نوشانیده شدیم. زیرا بدن یک عضو نیست، بلکه بسیار است. اگر پا گوید چون که دست نیستم از بدن نمی باشم آیا بدین سبب از بدن نیست؟ و اگر گوش گوید چون که چشم نیم از بدن نیستم. آیا بدین سبب از بدن نیست؟ اگر تمام بدن چشم بودی کجا می بود شنیدن و اگر همه شنیدن بودی کجا می بود بوئیدن؟ لکن الحال خدا هر یک از اعضا را در بدن نهاد بر حسب اراده ی خود و اگر همه یک عضو بودی بدن کجا می بود؟ اما الان اعضا بسیار است لیکن بدن یک و چشم دست را نمی تواند گفت که محتاج تو نیستم یا سر پای ها را نیز که احتیاج به شما ندارم، بلکه علاوه بر این، آن اعضای بدن که ضعیف تر می نماید لازم تر می باشند» (۱- قرن ۱۲: ۱-۲۲)

پس باید تشخیص داد که چه عطایایی نداریم.

خدمت ها نیز متعددند. از اسقف و همکارانش یعنی کشیشان و شماسان دست گذاری شده تا دربان و حسابداری که مأمور رسیدگی به اموال جماعت است و مددکاری که تسلی درماندگان را بر عهده دارد، تا خواننده ای که سرودهای مراسم مذهبی را اداره می کند و هم چنین، مسئول جلسات جوانان و معلم تعلیمات دینی که مسئول پرورش ایمان کودکان است و نیز بسیاری از خادمان دیگر که بدون آن ها جماعت ما هم از برپایی آیین نیایش، هم از خدمت به دیگران و هم از ادای شهادت در یگانگی عاجز می ماند...

زیرا همین تنوع که اسقف متکلف است آن را به صورت مکمل هم، در خدمت خیریت عموم درآورد، موجب می شود که جماعت مسیحی از خطر یک نواختی در امان بماند. از آن هم فراتر کلیسای محلی اتحاد این اشخاص گوناگون را به واسطه ی مشارکت آن ها با خدای پدر از راه یگانه پسرش عیسا و در روح القدس تقدیس کننده، تحقق می بخشد.

پولس رسول این تنوع را در کلیسای محلی شهر رم یادآوری می کند: «زیرا هم چنان که در یک بدن اعضای بسیار داریم و هر عضوی را یک کار نیست، هم چنان که ما بسیاریم، یک تن هستیم در مسیح، اما فرداً اعضای یک دیگر. پس چون نعمت های مختلف داریم به حسب فیضی که به ما داده شد، خواه بر حسب موافقت ایمان یا خدمت در خدمت گذاری یا معلم در تعلیم یا واعظ در موعظه یا بخشنده به سخاوت یا پیشوا به اجتهاد یا رحم کننده به سرور» (روم ۱۲: ۴-۸).

شورای واتیکان دوم چنین تأکید می کند:

«مانند همه اندام‌های بدن انسان که با وجود کثرتشان، تنها بدنی واحد را تشکیل می دهند، مؤمنین در مسیح نیز چنین می کنند (ر. ک ۱-۱۲: ۱۱-۱۱). در کار بنای بدن مسیح نیز تکثری از اعضا و خدمت‌ها دیده می شود. روح القدس نیز که عطایای مختلف خود را برای خیریت کلیسا به اندازه دولت خود و اقتضاهای خدمت توزیع می کند، واحد است (ر. ک ۱-۱۲: ۱۱-۱۱). در میان این عطایا، فیضی که به رسولان ارزانی شده جایگاه اول را دارا می باشد؛ خود روح القدس آنانی را که از عطا‌هایی برخوردار می باشند تابع رسولان می سازد (ر. ک ۱-۱۴). از یاد نبریم که همان روح القدس خود اصل اتحاد در بدن می باشد، بدنی که در آن قدرت او اعمال می شود و پیوند اعضا با یک دیگر تحقق می یابد؛ لذا او محبت را میان مؤمنین پدید می آورد و آن را بر می انگیزد. بدینسان، عضوی نمی تواند رنج ببرد مگر آنکه سایر اعضا نیز متحمل رنج شوند، و عضوی نمی تواند عزت یابد مگر آنکه سایر اعضا با او شادی کنند (ر. ک ۱-۱۲: ۲۶)» (نور ملت‌ها، شماره ۷).

مجمع جهانی اسقفان دقت خاصی به عمل آورد تا از تعریف کلیسا بر حسب سلسله مراتب روحانی خود احتراز نماید. مع ذلک این اشتباه در ذهنیت ما بسیار رایج است. در نظر عده ی بسیاری، کلیسا را اسقفان و کشیشان و تا حدی نیز راهبه‌ها تشکیل می دهند. اما این طرز تفکر با انجیل مطابقت ندارد. بدین جهت است که مجمع اسقفان در طی بررسی ماهیت کلیسا، ابتدا از کلیسا به عنوان «قوم خدا» صحبت می کند پیش از آن که به بررسی خادمانی که این قوم نیاز دارد یعنی اسقفان، کشیشان بپردازد. ما تعمید یافتگان همه با هم این قوم را تشکیل می دهیم، قومی که خدا گردآوری کرده، قوم ایمان داران که به کلام خدا گوش فرا می دهد و به عیسا مسیح روی می آورد، قومی که به واسطه ی راز تعمید تقدیس گشته و با دیگر رازهای مقدس احیا می گردد، قومی متشکل از دعاکنندگانی که راز خدا را نظاره می کنند و پدر آسمانی را می ستایند...

چنانچه خادمی ادعا کند تمامی نعمت‌ها را دریافت کرده و قادر است همه ی خدمات را در جماعت خود به عهده گیرد، بی گمان یک پارچگی آن جماعت را از بین می برد زیرا اصل مکمل هم بودن اعضا و عمل روح القدس در یکایک این اعضا را نفی می کند. برعکس، اگر فرد مسیحی از پذیرش هرگونه تکلیف سرباز زند و مدعی شود که قابلیت هیچ کار را ندارد در این حال او عطایایی را که خدا به او داده نفی می کند و در معرض این خطر قرار می گیرد که خویشتن را خارج از همکاری با روح القدس و با دیگر ایمان داران یعنی خارج از همان همکاری که به کلیسا شکل می بخشد، قرار دهد. هر فرد مسیحی در جماعت ما، مسئولیتی بر عهده دارد. تصمیم گیری در جماعت ما به مانند هر جماعت انسانی دیگر، باید در پائین ترین سطح ممکن اتخاذ شود تا همگی بتوانند سهمی باشند و

کسی که مسئول تمامی جماعت است قادر باشد خود را به نحو بهتری وقف امور اساسی و حیاتی کند و به جماعت خدمت کند بی آن که خود را دستخوش پراکندگی کرده یا جای برادرانش را تصرف کند. این قاعده را «همیاری در خدمت‌ها» می‌گویند.

بنی آدم اعضای یک دیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند (سعدی)

۶- کلیسای ملی یا محلی؟

راه را بر ما چون بستان کن لطیف منزل ما خود تو باشی ای شریف (مثنوی، دفتر دوم، ۲۵۵۳)

جوان: هر چند من در طول تفسیرتان درباره‌ی کلیسای محلی ساکت بودم اما این تعلیم مطلقاً با اوضاع کلیسای ما در ایران منطبق نیست. کلیسای ما ملی یا محلی است؟ زیرا کلیسای من کلیسایی است در خدمت آشوری‌ها، کلدانی‌ها یا ارمنه. نه در خدمت ما فارسی‌زبانان. در ایران کلیساهای کاتولیک متعدد و مختلف هست، پس هیچ یک از آن‌ها، آن کلیسای محلی، این گونه که تعریف شده نیستند! علاوه بر این، هر کدام از این کلیسای کاتولیک در خدمت ملت و قومی خاص هستند. پس کلیسای محلی کجاست؟

پیر: درباره‌ی این سؤال، بسیار به جا توجه کرده‌اید که کلیسای محلی و مأموریتش چیست. همان‌گونه که درک کرده‌اید متأسفانه کلیساهای کاتولیک در ایران، هنوز کاملاً به این مسأله نرسیده‌اند.

البته گروه مسیحیان ما هم کلیسا می‌باشد و هم اقلیت ملی و این دو دیدگاه را نباید با یک دیگر تداخل نمود، زیرا به عنوان کلیسا، هنوز با تمدن ایران زیاد تطابق نداریم، هر چند از حدود یک قرن قبل تا کنون در توسعه شهرها پیشرفت قابل ملاحظه‌ای شده است.

جوان: اشکالی را که می‌بینم بهتر توضیح دهم: تو کلیسا را به عنوان مشارکت در عیسا مسیح وصف روح القدس معرفی می‌کنی، اما من در آن چیزی را می‌بینم که در تضاد با معرفی زیبای تو می‌باشد: چه چیزی آشوری‌ها را در اتحاد جمع‌آوری می‌کند؟ به نظر من برای بعضی‌ها زبان خاص خود آن را مستحکم سازند، و از کلیسای خود درخواست می‌نمایند که به این کوشش کمک نماید.

طبیعتاً آنانی که زبان ما را نمی دانند، نمی توانند در جماعت ما شرکت جویند.

پیر: به نظر تو، آیا کسی بدون این که به عیسای مسیح ایمان داشته باشد می تواند در جماعت آشوری شرکت نماید؟



جوان: به نظر من نباید این طور باشد، اما بعضی از آشوری ها را می شناسم که متأسفانه ایمان نشان ضعیف و گویا ایمانی خوابیده دارند که آن را آشکارا نمی نمایند ولی این ها به ملت خود بسیار علاقه مند هستند و می خواهند با کمک کلیسا زبان خود را حفظ نمایند.



پیر: البته با ما نیست که داوری کنیم، ولی در زیر سؤال من سؤال دیگری وجود دارد: آیا سه موضوع متفاوت را با یک دیگر تداخل نمی نمایی؟ یعنی کلیسا، سنت و ملت.



کلیسا رازی است که گروه ایمان داران به مسیح را جمع کرده و توسط روح القدس زندگی نوین مسیح را دارا می باشد، سرچشمه ی این اتحاد راز سه گانه اقدس می باشد.

سنت گنجینه ای است که از پدران ما به سماع رسیده و متشکل از تجربه های روحانی در طول تاریخ، طرز بیان ایمان و شیوه ی نیایش و طرز زندگی است که این همه با هم در ارتباط با یک تمدن خاص می باشد.

اما ملت، جماعت انسانی می باشد که با نژاد پدران و با ارزش های فرهنگی و تاریخی خود متحد می شود. این سه موضوع بدون ارتباط با یک دیگر نیستند، زیرا سنت کلیسایی در تمدن ملت ریشه دارد. پس از این جا پی می بریم که کلیساهم خدایی و هم انسانی می باشد. پس اتحاد کلیسایی در کجا می بینی؟ آیا اول در جنبه ی انسانی یا ابتدا در عیسای مسیح؟ متأسفانه بعضی به این وسوسه دچار شده اند که جهت حفظ همبستگی ملت خود، از کلیسا سوء استفاده نمایند. بنابراین می خواهند افرادی که جزء ملت آن ها نمی باشند از کلیسا اخراج نمایند.

البته فرهنگ ملت مسیحی با سنت مقدس کلیسای محلی مرتبط می باشد. به طور مثال یک شخص ارمنی می تواند به صورت خیلی طبیعی و خوب و قوم گرا باشد و فرهنگ ارمنی خود را محترم شمارد اما این تعلق خاطر نباید به نفرت، نسبت به سایر فرهنگ ها منجر شود. زیرا با این طرز تفکر سبب می شود که قوم خود را بالاتر و بهتر از همه بداند. علاوه بر این، این رفتار شخص را به سوی وطن پرستی (Nationalisme) یا بدتر به سوی نژاد پرستی (Racisme) می کشاند، زیرا به خوبی می دانیم که در تاریخ معاصر، نژاد پرستی نازی ها چگونه باعث مرگ وحشتناک آن همه افراد بی گناه گردید.

البته شخص قوم گرای مسیحی نباید از کلیسا بخواهد که در درجه ی اول فرهنگ او را حفظ کند، زیرا مأموریت او اعلام کردن مژده ی انجیل به غیر مسیحیان می باشد که طبعاً نه آشوری و نه ارمنی هستند. طبق گفته ی پولس رسول «در آن نه یونانی است، نه یهود، نه ختنه، نه نامختونی، نه بربری، نه سکیتی، نه آزاد، بلکه مسیح در همه است» (کول ۳: ۱۱؛ ر. ک اع ۲: ۱۱؛ روم ۱۰: ۱۲؛ غلا ۳: ۲۸).

جوان: حرکت به سوی زبان و آداب و رسوم ایران کار خطرناکی است!

پیر: از دیدگاه ملی، این مسأله قابل فهم است اما از دیدگاه کلیسا با در نظر گرفتن تعلیم انجیل که قبلاً یادآوری نمودیم، رفتارهای ما بر فرمان‌های عیسا نزدیک تر شده و بنابراین نباید کلیسای ما را با نقاط ضعف و اشکالات معرفی کرد. چون هنوز در راه می‌باشیم و امید هست که با کمک روح القدس به هدف برسیم.

اشکالات فعلی نمی‌توانند کار روح القدس را در قلب انسان‌ها متوقف کنند. پس فراموش نکنیم که تعلیم شورای اسقفان برای ما لازم الاجرا می‌باشد، مخصوصاً این فرمان که مستقیماً با اوضاع کلیسای ما ارتباط دارد:

«کلیسای خاص از آنجا که موظف است به کامل‌ترین وجه ممکن، باز نمود کلیسای جهانی باشد، باید دقیقاً بداند که به سوی آنانی نیز فرستاده شده که در همان سرزمین زندگی می‌کنند اما به مسیح ایمان ندارند، تا به این ترتیب، از طریق شهادت زندگی تک تک ایمانداران و کل جامعه مسیحی، نشانه‌ای باشد از مسیح.» (به سوی ملل، شماره ۲۰).

خدا، خالق و آفریننده است و هر کاری که ظاهراً امکان‌ناپذیر می‌آید برای محبت او مشکل نمی‌باشد، روح القدس می‌تواند از جماعت ایمانداران ما، این کلیسای جدید را بیافریند.

جوان: اگر کلیسای ما در این جهت کوشش نماید و دیگر از زبان و ملیت خاص ما دفاع نکند، بنابراین این‌ها از میان رفته و ما در فرهنگ این کشور حل می‌شویم.

پیر: این اتفاق امکان‌پذیر نیست. طبق کلام مسیح ما نمک این جهان هستیم، بنابراین باید در آن حل شویم (مت ۵:۱۳). البته این چشم‌انداز برای بعضی‌ها ممکن است رنج‌آور باشد، اما خود عیسا که قبل از رنج و مرگ به اورشلیم رسیده، در راه، دو نفر غیر یهودی که به مانند غیر مسیحیان که بر در کلیسای ما می‌کوبند، درخواست کردند: «می‌خواهیم عیسا را ببینیم»، آیا جواب تعجب‌آور عیسا را به یاد می‌آوری «ساعتی رسیده است که پسر انسان جلال یابد. آمین آمین به شما می‌گویم اگر دانه‌ی گندم که در زمین می‌افتد نمیرد، تنها ماند لیکن اگر بمیرد ثمر بسیار آورد. کسی که جهان را دوست دارد، آن را هلاک کند، و هر که در این جهان، جان خود را دشمن دارد، تا حیات جاودانی آن را نگاه خواهد داشت.» (یو ۱۲:۲۴-۲۶). بنابراین، اگر به خاطر شهادت دادن به مسیح ملیت تو، دعوت شده است او را تا صلیب پیروی نماید، برای حل شدن یا باقی ماندن همین گونه که هست، نمی‌باشد، بلکه جهت رستخیز کردن به صورت کلیسای محلی، پر از شادی روح القدس که زبان خود را از دست داد، ارزش‌های سنت‌های خویش را به همه منتقل سازد و کسانی را که روح القدس دعوت می‌کند، در خود جمع‌آوری کند.

در ارتباط با این مسئله‌ی مهم پاتریارک‌های ما تردیدی نداشتند که در نامه‌ی خود، اوضاع خطرناک کلیساهای خود را آشکار سازند و بنویسند:

جامعه‌ی فرقه‌گرا و فرقه‌گرایی

موقعیت‌های تاریخی و فرهنگی که به ایجاد و رشد کلیساهای ما در تنوع و ویژگی خاص آن‌ها در شرق انجامید به طور خلاصه بیان کردیم. این موقعیت‌های سخت و ناگوار، به همراه گناهان ما، کلیساهای ما را به سوی تفرقه و دور خود حصار کشیدن سوق داد. بدین طریق کلیساهای ما به خاطر تفرقه‌ها و اضافاتی که مسیح را از چهره‌شان زدوده و به جامعه‌های فرقه‌گرا (طوائفی) تبدیل شدند. شعله روح القدس را در خود خاموش نموده به تدریج از یاد بردند که نه برای خود بلکه برای خدا زندگی کنند تا مرده نجات را به همان جامعه‌ی انسانی که از آن انتخاب شده‌اند و به سوی آن فرستاده شده‌اند برسانند.

تمامی این عوامل باعث ایجاد فرقه‌گرایی گردید که همانا تغییر شکل خطرناک دین و آشکارا متناقض مفهوم راز کلیساست. در واقع اولین هدف فرقه‌گرایی، بیشتر از تعمیق ایمان خود، تلاش برای بقای خود، دفاع از خویش و از حقوق و امتیازاتی است که کسب نموده و به انجام دادن امور بشری بیش از امور ایمانی دلبستگی دارد؛ هم‌چنین به جلوه‌های ملموس دینی بیش از اهتمام به روح می‌پردازد و سنت‌ها را به زندان تبدیل می‌کند که ایمان‌داران را به گذشته‌ای دور نسبت به زندگی فعلی و در آن محبوس گرداند. بنابراین، این سنت‌ها بدون پیشرفت نمی‌تواند قدرتی جهت‌آیی دائمی گردد.

بدین ترتیب، کلیساهای ما به گروه‌بندی‌هایی تبدیل شدند که مهمترین کوشش آنان در راستای بقا و چشم‌اندازی کاملاً بشری متمرکز شد. در نتیجه نکته منفی دیگری در تناقض با یکی از مشخصات راز کلیسا که همانا گشادگی و محبت کردن است به وجود آمد. در واقع فرقه‌گرایی باعث دور خود حصار کشیدن در مقابل دیگران خواه هم وطن و خواه هم‌ایمان می‌شود، دیگرانی که علی‌رغم آن که هم‌ایمان، هم وطن، هم شهری و برادران انسانی ما هستند به افرادی غریبه، رقیب و حریف تبدیل می‌گردند.

بنابراین، اندیشه فرقه‌گرا، کلیسایی که مدعی آن است و نیز مفهوم درست سنت‌های آن را قدر نمی‌شناسند. این طرز تفکر، کلیسا را قدر نمی‌شناسد چون آن را فقط یک گروه نژادی و دینی در میان سایر گروه‌های دیگر می‌داند و نیز همان‌طور که قبلاً گفتیم دور خود حصار می‌کشد، در حالی که کلیسای مسیح بر روی تمام افراد، اقوام و ملت‌ها باز است. به علاوه، سنت‌های کلیسایی را قدر نمی‌شناسد زیرا غالباً از آنها ناآگاه است یا آنها را به حقایق فرهنگی و اجتماعی محدود می‌کند درست همان‌گونه که اکثر رسانه‌های دولتی و گاهی اوقات حتا رسانه‌های مذهبی در گزارش‌های خود انجام می‌دهند. اینان فرقه‌گرایی را برجسته می‌سازند و رسالت اصلی کلیسا را نادیده می‌گیرند.

۷- نتیجه

کلیسا شمایل و شاهد تثلیث اقدس در این دنیا می باشد.

جوان: واقعاً فکر نمی کنی که کلیسای ما آن قدر ضعیف و کوچک شده که نمی تواند چنین مأموریتی را به عهده بگیرد؟



پیر: اگر موضوع کار انسانی می بود، آری واقعاً ضعیف و اندک در این کشور هستیم. اما کلیسای اولیه بعد از نزول روح القدس از دیدگاه انسانی، نسبت به ما بسیار ضعیف تر می بود! قدرت ما در تعداد افراد نیست، بلکه در روح القدس که کلیسای ما را جان می بخشد. مگر بحث ما درباره ی توفان آرام شده یادتان نیست؟



ضعف واقعی ما در گناه وجود دارد که روح القدس را خفه می کند. بنابراین، باید راز کلیسا را در نور راز سه گانه ی اقدس بنگریم تا قدرت عظیم و مرموز خود را درک کنیم. پس از مطالعه ی خلاصه ای از مجمع تعلیم اسقفان و پاپ ژان پل دوم درباره ی کلیساهای محلی، زمان نتیجه گیری از این بررسی رسیده و به این سؤال جواب دهیم که «امروز راز کلیسا در دنیای ما چیست»؟

در این جا دو موضوع را به صورت خلاصه یادآوری می نمایم: در ارتباط با نجات ما و در این جهان، کلیسای محلی وجود دارد و تمدن و ارزش های آن که به آن واگذار شده، به عهده گیرد، نوبر این تمدن، تقدیم شده به خدا می گردد. بنابراین، وقتی که انجیل در همه جا اعلام شود و ریشه بدواند آن وقت تمام گیتی در مسیح جمع آوری شده، او خواهد توانست، آن را به پدر تقدیم کند (افس ۱: ۱۰؛ کول ۱: ۱۶، ۲۰). اما «لازم است که اول انجیل بر تمامی امت ها موعظه شود.» (مر ۱۳: ۱۰).

در ارتباط با سه گانه اقدس، چگونه راز کلیسا با راز سه گانه اقدس شباهت دارد؟ در هر یک از قسمت های این متن متوجه این امر شده ایم که کلیسا در عین داشتن تنوع فراوان، یکتا می باشد. زیرا خود، مشارکت کلیساهای محلی است. کلیسا از راه همین تنوع و همین مشارکت، به راز تثلیث اقدس که سرچشمه ی آن است شهادت می دهد، یعنی به خدای یکتا در تمایز سه شخص قدوس و در مشارکت آنان در محبت بیکران. نه یکنواختی، نه سلطه، نه جدایی: خدا در ذات قدوس و در حیات سرشار خود و در راز متعالش واحد است: «خدا محبت است». عیسا وعده داده که ما را وارد رابطه خاص و پر محبت خود با پدرش توسط روح القدس می سازد و از این رو به مشارکت در زندگی تثلیث اقدس نایل می گرداند:

«هم چنان که پدر مرا محبت نمود

من نیز شما را محبت نمودم،

در محبت من بمانید.» (یو ۱۵: ۹):

«من در پدرم هستم
 و شما در من و من در شما.» (یو ۱۴:۲۰)؛
 «چنان که تو ای پدر در من هستی و من در تو
 ایشان نیز در ما یک باشند... تا یک باشند چنان که ما یک هستیم؛
 من در ایشان و تو در من، تا در یکی کامل گردند...» (یو ۱۷:۲۱-۲۳)؛
 «چنان که من شما را محبت نمودم،
 شما نیز یک دیگر را محبت نمایید.» (یو ۱۳:۳۴).
 در نتیجه کلیسا در این دنیا شمایل زنده‌ی تثلیث اقدس است.
 به فیض روح القدس که بر آن ساکن می‌باشد.

در نتیجه‌ی نزول روح القدس روز عید پنطیکاست خلاصه‌ی تعلیم رسمی کلیسا اعلام می‌کند که کلیسا در مأموریت مسیح و روح القدس شریک شده است:

۱۴۴- روز عید پنجاهه چه اتفاقی افتاد؟
 روز عید پنجاهه، یعنی پنجاه روز بعد از رستاخیزش، عیسی مسیح جلال یافته، روح القدس را بی‌وفور جاری ساخت، و او را به عنوان شخص خدائی آشکار ساخت که به این صورت، راز سه‌گانه اقدس کاملاً مکشوف گردیده است. مأموریت مسیح و روح القدس، مأموریت کلیسا می‌گردد که جهت اعلام و منتشر کردن راز مشارکت سه‌گانه اقدس، فرستاده شده است.
 ما نور راستین را دیده ایم، روح آسمانی را پذیرفته ایم و ایمان حقیقی را یافته ایم: سه‌گانه اقدس را می‌پرستیم، زیرا همان اوست که ما را نجات داد (سرود عید پنجاهه در آئین کلیسای بیزانس)

جوان: یک سؤال و یک رنج و یک اعتراض دیگر که از همه مهمتر است و برای خیلی‌ها افتضاح است که باعث دور شدن از مسیح می‌شود، علی‌رغم گفتار شما کلیساها در اتحاد نیستند بلکه با رقابت و دشمنی ضد هم دیگر صحبت و عمل می‌کنند. مگر فرمان مسیح این نبود که همه مسیحیان یکی باشند تا جهان بتواند ایمان بیاورد (یو ۱۷:۲۱-۲۳)؟
 پیر: کاملاً حق با شماست و این مسأله این قدر اهمیت دارد که باب پانزدهم این کتاب را به این مشکل بزرگ اختصاص داده ایم.

ضعف واقعی ما، نتیجه‌ی گناه ما می‌باشد. در واقع، اگر همه‌ی مسیحیان کشور ما در یک ایمان، همراه با رازهای هفت‌گانه‌ی کلیسا، مشارکت می‌داشتیم، و اگر با صمیمیت و همکاری در مأموریت کلیسا شراکت می‌کردیم، آیا این قدر ضعیف می‌بودیم؟
 واقعاً همه‌ی ما باید برای اتحاد کلیسا، مثل مسیح نیایش کنیم (یو ۱۷:۲۱-۲۳).

سؤال برای تعمق بیشتر:

- ۱- ما بین مأموریت عیسا و مأموریت کلیسای کاتولیک چه ارتباطی می بینید و هم چنین با مأموریت کلیسای محلی برای انجام دادن این مأموریت از چه امتیازاتی کلیسای کاتولیک و کلیسای محلی برخوردار هستند؟
- ۲- کلیسای محلی چیست؟ یک کلیسای محلی با کلیساهای دیگر چه ارتباطی باید داشته باشد؟ و این ارتباط توسط چه کسی برقرار می شود؟
- ۳- کلیسای کاتولیک چیست؟ و چگونه یک کلیسای محلی می تواند کاتولیک باشد؟
- ۴- چرا کلیسا حفا می بیند و در این شرایط رفتار شخص مسیحی چگونه باید باشد؟
- ۵- قبل از آمدن پر جلال مسیح آیا باید همه ی انسان ها تعمید یافته باشد؟
- ۶- در ارتباط با مأموریت کلیسا چه شرایطی باید ایجاد شود که عیسا مسیح در جلال بیاید؟

کتاب برای مطالعه ی بیشتر:

- ۱- تاریخ کلیسای اولیه
- ۲- تاریخ کلیساهای شرق، جلد اول
- ۳- تاریخ مسیحیت در آسیا
- ۴- شورای اسقفان آسیا (آوریل ۱۹۹۸)
- ۵- عالم هستی در کلیسای محلی من
- ۶- مسیح برای همه - طبق پولس رسول